

شرق روزنامه

نگاه

شاهزاده رؤیاهای سعودی

عربستان جدیدی متولد شده، عربستانی که دیگر وهابیت به سادگی کلید فهم آن نیست؛ و ولایتعهدی در آن جایگاه و تشخیصی نهادی پیدا کرده است: عربستان محمد بن‌سلمان که از بالا و با شتابی سرسام‌آور در حال به‌روشدن است. حالا دیگر هیچ‌کس نمی‌تواند اقتدار او را انکار کند، نه در خارج عربستان و نه در داخل پادشاهی آل‌سعود. سخن از شاهزاده‌ای است که امروز آوازهاش از پادشاه بیشتر است، جوان‌ترین وزیر دفاع جهان: محمد بن‌سلمان، که با حفظ سمت در وزارت دفاع در ۲۱ ژوئن ۲۰۱۶ به ولیعهدی عربستان سعودی برگزیده شد. او کیست؟ و چه رؤیایی در سر دارد؟ از اوایل سال ۲۰۱۵ که این شاهزاده سعودی وارد بازی قدرت در پادشاهی آل‌سعود شد، تاریخ عربستان سرعت و شتاب بی‌سابقه‌ای یافته است. با کلیدزدن یک انقلاب اجتماعی، با به‌چالش‌کشیدن اقتدار مذهبی و تصفیه رقبای سیاسی، از هم‌اکنون نام محمد بن‌سلمان به نقطه‌عطفی در تاریخ عربستان بدل شده است. پس از فرزند سلمان، عربستان دیگر همان کشوری نیست که پیش از او وجود داشت.

قبل از هر چیز، در این عربستان جدید، دیگر این وهابیت نیست که محتوا و جهت رفتار سیاسی حاکم را تعیین یا دست‌کم کادربندی می‌کند. اکنون کلیت دستگاه مذهبی در عربستان به نفع نظام قدرت و تصمیمات آن به حالت تعلیق درآمده است. اگر در دههٔ ۹۰ میلادی، مفتی اعظم عربستان، شیخ عبدالعزیز بن باز، راندگی زنان را منشأ «اشکار بسیاری از شرها و گناهان» و عملی «بدون شک» ممنوع و غیرمجاز می‌دانست، حالا دبیرخانه شورای علمای اعظم این کشور – نهادی که در رأس آن مفتی اعظم امروز عربستان عبدالعزیز آل شیخ قرار دارد – در بیانیه‌ای از پادشا به خاطر پرده‌برداشتن از مفاسد و شرهای ناشی از عدم راندگی زنان تشکر می‌کند. بله، این سیمای جدید عربستان است: عربستانی که در آن تابعیت علمای عظام از تصمیمات سیاسی حاکم به موضوع ریشخند در شبکه‌های اجتماعی بدل شده است.

عربستان کشوری جوان و ۷۰ درصد جمعیت آن زیر ۳۰ سال است. ولیعهد ۳۲ ساله این کشور درصدد ایجاد فضاهای کار و سرگرمی و تبدیل عربستان به مملکتی است که برای جوانان معمولی نیز قابل زیستن باشد. محمد بن‌سلمان اگرچه جایگاه و مقام خود را مدیون خون سلطنتی است، اما سرمایه اجتماعی‌اش را نزد همین جوانان جست‌وجو می‌کند؛ نزد اکثریت خاموشی که نه اعتقاد راسخی به اسلام دارند و نه به گروه‌های نجبه و ثروتمند جامعه‌حلق دارند: دین و زمان تهی و ملال‌آز خود را در سرزنده‌ترین حالت با راندگی جنون‌آمیز در صحرای و «تفحیط و هجوله» یا به‌اصطلاح خشونت و تروریسم خیابانی تاب می‌آورند. این جوانان برای توصیف وضعیت خود امروز اصطلاحی به کار می‌برند که هم‌زمان به معنای «خلأ» و «ملال» اجتماعی و حتی «خشم و جوتنی» است که این تهی‌بودگی زندگی به بار می‌آورد؛ اصطلاح «ملتش» که ریشه لغوی آن فعلی است به معنای آخرین دست‌ویازدن‌های قبل از غرق شدن است.

حالا در عربستان سختگیری‌ها نسبت به موسیقی کمتر شده است. اهمیت این موضوع به‌ویژه از آن جهت است که وضعیت موسیقی سجنه‌ای مناسب برای اندازه‌گیری شی‌زوفرنی حاکم بر پادشاهی آل‌سعود و ترس مقامات سنتی آن از پارشدن تاروپود سنتی جامعه است. در فوریه گذشته، کنسرتی در جد برگزار شد که اگرچه تنها مردان اجازه ورود به آن را داشتند، اما نفس این رویداد در ۲۴ سال گذشته بی‌سابقه بود.

شاهزاده غیرمرتبطه

بله، تصویری که امروز از عربستان به جهان مخابره می‌شود، دیگر به سادگی تصویر کلیشه‌ای کشوری با ثروت‌های بادآورده نفتی و مکان‌های مقدس نیست که سلفیسم و تروریسم را به منطقه صادر می‌کند. عربستان اکنون با محمد بن‌سلمان، سرزمین اتفاق‌های غیرمنتظره است. کارنامه ولیعهد عربستان در دو سال گذشته پر از اقدامات جاه‌طلبانه و غافلگیرانه بوده است: عملیات توفان قاطعیتی (جنگ یمن)، طرح انزوای قطر، اعطای حق راندگی به زنان و اجازه صدور فتوا به آنها، بخش آواز آزاد کلوم از تلویزیون دولتی، شکستن تابوی همدستی با اسرائیل، بازداشت جمعی از شاهزاده‌ها، مقامات حکومتی و صاحبان سرمایه به جرم فساد و پول‌شویی و در نهایت درام استعفای حریری.

بزرگ‌ترین سلاح ولیعهد عربستان در برابر دشمنان خارجی و رقبای داخلی‌اش همین «غافلگیری» بوده است. ماجرای استعفای سعد مده‌اند؛ به حدی غیرمنتظره بود که بسیاری از رسانه‌ها، به شایعه دستگیری و حصر حریری در عربستان متوسل شدند و روی آن مانور دادند.

صحنه‌پرداز رویدادهای غیرمنتظره ماه گذشته در ریاض کسی جز محمد بن‌سلمان نبود؛ امیر جاه‌طلبی که سعد حریری پس از استعفا او را «برادر» خود خواند. ولیعهد عربستان امروز در دوران نضج ملی‌گرایی عرب و افول قدرت اخوان‌المسلمین، «برادر بزرگ» تمام اعراب سنی منطقه است. غافلگیری اما همواره شمشیری دولبه است و هر بمبی ممکن است در دستان سازنده‌اش منفجر شود. شتاب‌زدگی، جاه‌طلبی و ماجراجویی ترکیب انفجاری خطرناکی است و طرح‌ها و اقدامات بن‌سلمان همین‌جا شامل این سه ماده‌اند؛ به حدی غیرمنتظره بود که بسیاری از رسانه‌ها، به شایعه دستگیری و حصر حریری در عربستان متوسل شدند و روی آن مانور دادند.

صحنه‌پرداز رویدادهای غیرمنتظره ماه گذشته در ریاض کسی جز محمد بن‌سلمان نبود؛ امیر جاه‌طلبی که سعد حریری پس از استعفا او را «برادر» خود خواند. ولیعهد عربستان امروز در دوران نضج ملی‌گرایی عرب و افول قدرت اخوان‌المسلمین، «برادر بزرگ» تمام اعراب سنی منطقه است. غافلگیری اما همواره شمشیری دولبه است و هر بمبی ممکن است در دستان سازنده‌اش منفجر شود. شتاب‌زدگی، جاه‌طلبی و ماجراجویی ترکیب انفجاری خطرناکی است و طرح‌ها و اقدامات بن‌سلمان همین‌جا شامل این سه ماده‌اند؛ به حدی غیرمنتظره بود که بسیاری از رسانه‌ها، به شایعه دستگیری و حصر حریری در عربستان متوسل شدند و روی آن مانور دادند.

صحنه‌پرداز رویدادهای غیرمنتظره ماه گذشته در ریاض کسی جز محمد بن‌سلمان نبود؛ امیر جاه‌طلبی که سعد حریری پس از استعفا او را «برادر» خود خواند. ولیعهد عربستان امروز در دوران نضج ملی‌گرایی عرب و افول قدرت اخوان‌المسلمین، «برادر بزرگ» تمام اعراب سنی منطقه است. غافلگیری اما همواره شمشیری دولبه است و هر بمبی ممکن است در دستان سازنده‌اش منفجر شود. شتاب‌زدگی، جاه‌طلبی و ماجراجویی ترکیب انفجاری خطرناکی است و طرح‌ها و اقدامات بن‌سلمان همین‌جا شامل این سه ماده‌اند؛ به حدی غیرمنتظره بود که بسیاری از رسانه‌ها، به شایعه دستگیری و حصر حریری در عربستان متوسل شدند و روی آن مانور دادند.

یادداشت

پوپولیسم بنیادگرای عربی

احمد کلی

اتفاقات اخیر کشور عربستان در چند ماه گذشته، همه کسانی را که تفکرات بنیادگرای عربی را می‌شناسند دچار سردرگمی کرد و کسانی را که تحلیل‌های متفاوت از این اتفاقات دارند امیدوار به دموکراسی در بنیادگراترین کشور منطقه.

اما آیا باید امیدوار به ایجاد دموکراسی در این کشور باشیم؟ این سؤالی است که برخی به آن پاسخ مثبت می‌دهند و گروهی نیز پاسخ منفی.

شاید بهترین پاسخی که بتوان به این سؤال داد این است که با توجه به ریشه‌های فکری دنیای عرب، امید به دموکراسی در مدت‌زمان کوتاه تقریباً بعید است و سرعت صعودی این تغییرات به‌زودی کاهش خواهد یافت. برای ایجاد دموکراسی یا هر تغییر اجتماعی بزرگ در جامعه، در کام نخست باید زیرساخت‌های قانونی یا حداقل اعتقادی و فکری آن در میان مردم جامعه ایجاد شود، ولی آیا این زیرساخت‌ها در عربستان وجود دارد؟

چرا تصمیم‌گیران عربستان به‌جای ایجاد قوانین و زیرساخت‌های فکری دموکراسی، به سراغ راه‌حل‌های پرسروصدا رفته‌اند؟ چرا از میان هزاران روش مختلف برای نشان‌دادن رعایت حقوق شهروندی و ایجاد دموکراسی، عربستان دست به انتخاب روش‌هایی زده است که به بحث روز برخی از کشورهای منطقه‌ای در زمینه دموکراسی تبدیل شده است؟ مهم‌ترین توجیهی که می‌توان برای این نوع اجرای دموکراسی ارائه کرد، ایجاد محبوبیت کوتاه‌مدت برای اهداف بلندمدت است.

همین دلیل را می‌توان برای دستگیری‌های گسترده شاهزادگان عربستانی آورد. هیچ‌کس در دنیای اقتصاد و حتی عامه مردم تصور نمی‌کند که ولید بن طلال به‌عنوان ثروتمندترین مرد عرب و همچنین چندین شاهزاده ثروتمند دیگر، حداقل در قلمرو کشور عربستان، مالیات پرداخت کند.

آیا این امکان وجود نداشت که ابتدا در مورد پرداخت مالیات، از آنها بازخواست می‌شد و سپس اقدام به دستگیری وسیع شاهزادگان می‌کردند.

این تصمیم نیز از‌جمله روش‌های ایجاد محبوبیت در اذهان عمومی و به‌خصوص پيامی به دنیا بود برای قبول محمد بن‌سلمان به‌عنوان پادشاه آینده تا شاید بتوانند بدون برگزاری انتخابات (پایه هر دموکراسی) انتقادات جامعه جهانی نسبت به ولیعهدی محمد بن‌سلمان را کاهش و محبوبیت داخلی مردمی را افزایش دهند.

همه این تصمیمات درعین‌حال که نشانی از پوپولیسم عربی به‌عنوان پدیده‌ای نوظهور در تاریخ دنیای عرب است، تناقضی با بنیاد تفکرات عرب در زمینه عدم ایجاد پایه‌های دموکراسی و نگاه طایفه‌ای در مورد حذف شاهزادگان رقیب ندارد و از آن می‌توان به پوپولیسم بنیادگرای عربی نام برد.

همه این حوادث نشان داد که نفوذ ترامپ در عربستان، بیش از مسائل سیاسی و اقتصادی است و تفکرات شاهزادگان عرب را نیز به تفکرات پوپولیستی خود نزدیک کرده است.

✽**عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان**



عکس: Reuters

فتح‌الله گولن، مخالف سرسخت اردوغان؛

یک نسل طول می‌کشد تا ترکیه به شرایط قبل برگردد

نکرفته بود. این روزها کسی که بخواهد در ترکیه روزنامه‌نگار شود، بدون اینکه احتمال به‌زدن‌ان افتادن را داشته باشد، نمی‌تواند به وظیفه‌اش عمل کند.

۷ یک‌سال و نیم از کودتای ترکیه می‌گذرد. در جریان حوادث بعد از آن ۲۰۰ هزار نفر از کار برکنار شدند و ۱۸۰ هزار نفر دیگر به زندان افتادند. این اقدامات خشونت‌آمیز بیانگر چیست؟

واقعیت آن است که این بازداشت‌ها و برکناری‌ها بعد از آن کودتا صورت گرفت و کاملاً نشان داد از پیش برای آن برنامه‌ریزی شده بود. اینها هیچ ارتباطی به آن کودتا نداشت. بهترین مثال برای آن بی‌کارکردن دوهزارو ۷۰۰ نفر در مجموعه قوه قضائیه بلافاصله بعد از کودتا بود. این مسئله نشان می‌دهد که مقامات سیاسی کشور به جای شایسته‌سالاری به دنبال جایگزین‌کردن مهره‌های طرفدار خودشان از حزب حاکم هستند.

۷ شما سکوت بین‌المللی در قبال این تعداد زیاد از بازداشت‌شدگان را چگونه تفسیر می‌کنید؟

واکنش جامعه بین‌المللی به این مسئله، به‌ویژه اتحادیه اروپا که مجری گفت‌وگوها با ترکیه درباره عضویت این کشور است، بسیار پایین‌تر از آن چیزی بود که انتظارش را داشتیم. ناظران این مسئله را به آن مربوط می‌دانند که چون ترکیه میزان تعدادی از آوارگان سوری است، اروپایی‌ها می‌ترسند ترکیه از آن موضوع سوءاستفاده کند. بعضی از کشورهای اروپایی نیز روابطی پراگماتیک و براساس منافع خود با ترکیه دارند و بنابراین زیاد به پرونده‌های حقوقی نمی‌پردازند. هرچه باشد، باید گفت این سکوت را نمی‌شود تحمل کرد و به لحاظ انسانی و اخلاقی موجه نیست.

۷ جریان خدمت در تمام تعقیب و گریزها و محاکمات هدف اول و آخر بوده است. شما چه پاسخی به اردوغان می‌دهید که شخص شما و جریان شما را منهدم می‌کند؟

به باور من انگیزه‌های زیادی در پشت این قضیه هست. یکی از آنها این است که اردوغان تصور می‌کند جریان خدمت یک غول بزرگ است و به دنبال بهانه‌ای برای دست‌یافتن به یک قدرت مطلقه است؛ ازاین‌رو تلاش می‌کند این هدف سیاسی‌اش را از طریق بدنام‌کردن جریان خدمت تحقق بخشد؛ اما اینکه چرا جریان خدمت این وسط قربانی می‌شود، نه دیگر جریان‌ها، به این دلیل است که آنها کاملاً می‌دانند هرچه فشارها را بیشتر کرده یا علیه این جریان خشونت‌ورزی کنند، جریان خدمت دست به خشونت و تخریب نمی‌زند. آنها در واقع می‌خواهند با سرکوب جریان خدمت و با فشارآوردن بر این جریان به دیگری‌ت که تسلیم نمی‌شوند یا با آنها بیعت نمی‌کنند، درس عبرتی بدهند.

 	 	 	 	 	
طرفداران خدمت با خودشان عهد کرده‌اند که هرچه در معرض فشار و ستم قرار گیرند از چارچوب قانون و شیوه‌های مسالمت‌آمیز اجتماعی خارج نشوند.					
آنها تاکنون تعهد خودشان را به این اصل ثابت و این عهد را حتی در تارک‌ترین و وحشتناک‌ترین شرایط حفظ کرده‌اند					

۷ چرا تاکنون اردوغان یا نهادهای وابسته به او قادر به تسلیم شما نشده‌اند؟
بهرتر است اول پرسسیم آیا الان کسانی که در زندان‌های ترکیه هستند، طرفداران «خدمت» هستند؟ دراین‌باره نمی‌شود با قطعیت جواب داد. دولت سعی می‌کند از جریان خدمت به‌عنوان یک بهانه برای سرکوب دیگران استفاده کند. برای همین است که ما شاهد بازداشت‌های بی‌رویه و گسترده در بین همه اقصشار جامعه هستیم. رسانه‌ها تا‌به‌حال بارها کسانی را در بین بازداشتی‌ها نشان داده‌اند که اصلاً به جریان خدمت وابسته نبودند؛ حتی بعضی از آنها جزء کسانی بودند که موضوعی دشمنانه نسبت به خدمت داشتند.

۷ مدت طول می‌کشد تا ملت ترکیه و نظام سیاسی حاکم بر این کشور دوباره به آرامش اجتماعی برسد؟

ممکن است یک نسل به طور کامل یعنی حدود ۲۵ سال طول بکشد تا همبستگی جامعه به آن حالت گذشته برگردد. البته اگر از تکنولوژی مدرن و ابزارهای جدید به شیوه‌های دموکراتیک و مسالمت‌جویانه استفاده شود، ممکن است این مدت را کوتاه‌تر کنند که امیدواریم چنین شود. از صمیم قلب آرزو می‌کنیم این اتفاق بیفتد.

۷ آیا شما به یک اقدام متقابل هم فکر می‌کنید؟
طرفداران جریان خدمت با خودشان عهد کرده‌اند که هرچه در معرض فشار و ستم قرار گیرند، از چارچوب قانون و شیوه‌های مسالمت‌آمیز اجتماعی خارج نشوند. آنها تاکنون تعهد خودشان را به این اصل ثابت و این عهد را حتی در تارک‌ترین و وحشتناک‌ترین شرایط حفظ کرده‌اند.

۷ وقتی اردوغان به این شیوه بر ترکیه حکومت می‌کند به چه چیزی اتکا دارد؟

فتح‌الله گولن، رهبر معنوی جریان «خدمت» در ترکیه، همچنان حضوری پررنگ در زندگی و سیاست این کشور دارد. گرچه او در تبعیدی خودخواسته در آمریکا به سر می‌برد، اما رهنمودها و ارتباطاتش همواره کابوسی برای رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، به شمار می‌رود زیرا این جریان را هنوز هم مهم‌ترین تهدید برای دولت خود به شمار می‌آورد. اردوغان تا به حال تلاش فراوان کرده است تا او را از آمریکا تحویل بگیرد اما موفق نشد. حتی چنان‌که بعضی منابع خبری گفتند او حاضر به دادن رشوه‌های کلان و در یک مورد آدم‌ربایی نیز شد اما موفق نشد. در این گفت‌وگو، گولن مانند همیشه به‌شدت از سیاست‌های اردوغان انتقاد می‌کند و می‌گوید او شایسته قدرت شده است، او همچنین بر مبارزه مسالمت‌آمیز خود تأکید می‌ورزد و می‌گوید تحت هیچ شرایطی حاضر به روی‌آوردن به خشونت نیست. گولن در بخش پایانی مصاحبه نحوه شکل گرفتن جریان خدمت را توضیح می‌دهد که جالب توجه است.

۷ صحنه سیاسی ترکیه را بعد از تحولات اخیر چگونه می‌بینید؟

ابتدا دوست دارم از مؤسسه کهن‌الاهرام تشکر کنم. ال‌اهرام نهادی رسانه‌ای در کل کشورهای عرب و تریونی آزاد برای گسترش حقیقت بوده است. اما درباره ترکیه باید بگویم تقریباً از پنج سال پیش تاکنون به سمت یک دولت فردی پیش می‌رود و این مسئله در تمام بیانیه‌ها و گزارش‌های سازمان حقوق بشری بین‌المللی نیز منعکس است. سازمان ملل، اتحادیه اروپا، سازمان حقوق بشر و... بارها دراین‌باره نوشته یا گفته‌اند. مسائلِی مثل آزادی‌های اساسی دیگر در ترکیه ارزشی ندارد. حاکمیت قانون و استقلال دستگاه قضائی دیگر به یک خواب و رؤیا تبدیل شده است. ترکیه الان در سایه این نظام کاملاً از آن ترکیه‌ای که سال ۲۰۰۴ داشت با اتحادیه اروپا گفت‌وگو می‌کرد، فاصله گرفته است.

۷ حضور اخوانی‌ها را در ترکیه چگونه می‌بینید. رابطه دولت را با تشکیلاتی که فعالیتش ممنوع است، چگونه تفسیر می‌کنید؟ چه چیزی اخوانی‌ها را با اردوغان پیوند می‌دهد؟ رابطه آنها در آینده چگونه خواهد بود؟

در درجه اول باید پرسید آیا ترکیه برای این به اخوان‌المسلمین بها می‌دهد و به آنها نزدیک می‌شود که دارای ارزش‌ها و اعتقادات مشترکی هستند؟ یا اینکه اردوغان از آنها برای تحقق اهداف خودش استفاده می‌کند؟ این مسئله باید مورد بحث قرار گیرد. به اعتقاد من، نظام حاکم بر ترکیه از اخوانی‌ها برای بسط نفوذ خود در تمام نقاط جهان استفاده می‌کند؛ با سوءاستفاده از احساسات دینی، با حرف‌زدن از کرامت امت اسلامی و... من بارها سخنان آتشین و خطبه‌های جنجالی اردوغان را در سال‌های گذشته درباره فلسطین و غزه شنیده‌ام. اما در نهایت چه اتفاقی افتاد؟ نتیجه آن همه حرف‌های دهان‌پرکن چه بود؟ هیچ.

۷ سیاست اردوغان و به‌ویژه دخالت او در امور کشورهای دیگر برای چیست؟

هیچ‌کس نیست نداند اردوغان هوای رهبری بر جهان اسلامی را دارد. او از ما هم می‌خواهد که این مسئله را به وسیله مؤسسه خدمت تبلیغ کنیم. حال آنکه خدمت، یک نهاد تربیتی و آموزشی در سراسر جهان است. او از ما می‌خواست با او به‌عنوان امیرالمؤمنین بیعت کنیم، اما وقتی دید چنین چیزی تحقق نخواهد یافت ما را به باد حمله گرفت و از همه ابزارهای نفرت‌پراکنی و دشمنی بر ضد ما استفاده کرد. بنابراین دلیل دخالت او در امور کشورهای دیگر مسئله‌ای کاملاً روشن است. من باور نمی‌کنم دولتی باشد که از این دخالت‌ها استقبال کند.

۷ به نظر شما حمایت ترکیه و قطر یک ائتلاف تاکتیکی است یا استراتژیک؟ چه چیزی دوحه و آنکارا را به هم متصل می‌کند؟ چگونه می‌شود بین اینها فاصله انداخت؟

به نظر من اساس این اتحاد صرفاً منافع سیاسی رهبران این دو کشور است. این مهم‌تر از منافع متقابلی است که به ملت‌هایشان تعلق می‌گیرد.

۷ حمایت اردوغان از قطر به رابطه ترکیه و عربستان آسیب می‌رساند. نظر شما دراین‌باره چیست؟

سخت می‌شود دراین‌باره حرف زد. چون ترکیه روابط بین‌المللی باثباتی ندارد. یک‌دفعه موضع خودش را از این دولت به آن یکی برمی‌گرداند. برعکس این هم درست است. اما اگر دولت ترکیه بتواند راهکارهایی را بیابد که باعث رضایت عربستان سعودی شود، دراین‌صورت روابط‌شان بهبود پیدا خواهد کرد. **۷** آیا به نظر شما حمایت ترکیه از قطر فایده‌ای هم برای کل منطقه دارد؟ من گمان نمی‌کنم تا‌به‌حال تحت نظارت اردوغان هیچ کاری شده باشد که سودش به منطقه و مسلمانان برسد. تا زمانی که این نظام استمرار داشته باشد، در آینده هم هیچ کمکی نخواهد شد. نظام کنونی ترکیه به رهبری اردوغان تلاش می‌کند منافع شخصی و سیاسی خود و افراد اطرافش را تأمین کند؛ بنابراین هر قدمی که برمی‌دارد، فقط در ظاهر ادعای مسلمانی دارد.

۷ پلیس ترکیه اخیراً دهه روزنامه‌نگار را بازداشت کرده است. درباره اینها چه می‌گویید؟

روزنامه‌نگاری ترکیه هرگز در تاریخ خود تا این حد تحت قیمومیت قرار